■ آیت‌الله دژکام: دعوت به تقوا، وظیفه رسمی و همیشگی امام جمعه است و عدالت، یکی از ارکان اصلی تقواست؛ اگر عدالت در جامعه تحقق پیدا نکند، ما چگونه می‌خواهیم مردم را دعوت به تقوا کنیم. بنده در خطبه‌هایی که هر هفته می‌خوانم به تبعیت از خطبه‌های امیرالمومنین(ع) همیشه بر قرائت این آیه تاکید می‌کنم: إِنَّ‌اللهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ. این آیه یک محور فکری و عقیدتی است

گفت‌وگوی «وطن امروز» با آیت‌الله لطف‌الله دژکام، نماینده ولی فقیه در استان فارس درباره نقش ائمه جمعه در مطالبه‌گری عدالت

عدالت‌خواهی تقوامحور تکلیف امام جمعه

«گفتمان عدالت و عدالت‌خواهی» کلیدواژه‌ای است که اخیرا رهبر حکیم انقلاب به کرات در دیدارهای مختلف به آن پرداخته‌اند؛ موضوعی که باعث می‌شود فعالان جبهه انقلاب با دقت و حساسیت ویژه‌تری به آن بپردازند. از آنجا که مفهوم عدالت و مطالبه تحقق عدالت یک مفهوم عام است و حوزه‌های گوناگونی را در برمی‌گیرد، تقسیم وظیفه اجتماعی در آن یک امر معقول و طبیعی است. در بین تقسیم کارهای مختلفی که باید در حوزه عدالت‌خواهی انجام بگیرد، چندی است مساله «نقش ائمه جمعه در مطالبه‌گری عدالت» به یکی از مباحث داغ فضای رسانه‌ای و عمومی تبدیل شده است؛ موضوعی که تلاش کردیم در گفت‌وگو با آیت‌الله لطف‌الله دژکام، نماینده ولی فقیه در استان فارس و امام جمعه شیراز و حجت‌الاسلام والمسلمین محسن قنبریان استاد حوزه به بررسی آن بپردازیم.

■ **جنـاب آقای دژکام! به نظر شـما امام جمعه تراز انقلاب، چه تکلیفی درباره عدالت و عدالت‌خواهی بر دوش دارد؟**

دعوت به تقوا، وظیفه رسمی و همیشگی امام جمعه است و عدالت، یکی از ارکان اصلی تقواست؛ اگر عدالت در جامعه تحقق پیدا نکند، ما چگونه می‌خواهیم مردم را دعوت به تقوا کنیم. بنده در خطبه‌هایـی که هر هفته می‌خوانم به تبعیت از خطبه‌های امیرالمومنین(ع) همیشه بر قرائت این آیه تاکید می‌کنم: إِنَّ‌اللهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ. این آیه یک محور فکری و عقیدتی است که پای ثابت خطبه‌های بنده است. عدالت و عدالت‌خواهی امر خدای متعال است و رکن تحقق تقواست. توصیه به تقوا بدون دعوت به عدالت و تحقق عدالت، منتهی به نتیجه مطلوب نخواهد شد.

امـا در بـاب وظیفه یک امـام جمعه در مطالبـه عدالت و عدالت‌خواهی باید نکاتی را مدنظر داشت؛ یکی اینکه گاهی امام جمعه به عنوان یک فعال اجتماعی، پیگیر یک مفسده و ظلمی می‌شود که در گوشه‌ای اتفاق افتاده، بدون اینکه نیاز باشد آن را لزوما در خطبه‌های نماز جمعه بیان کند. به عبارت دیگر ما باید از تقلیل نقش امام جمعه به کسی که خطبه‌های نماز جمعه را می‌خواند و آن را اقامه می‌کند، بپرهیزیم. ممکن است امام جمعه‌ای پیگیر برخی مفاسـد اقتصادی رخ داده، باشـد اما به علت‌های گوناگـون لازم نداند این پرونده و روند آن را در خطبه‌های نماز جمعه علنی کند. حتی ممکن است یک امام جمعه با تلاش‌ها و پیگیری‌های خود جلوی یک مفسده اقتصادی را بگیرد، مساله را هم به نتیجه برساند ولی اصلا در خطبه‌های خود به آن اشاره نکند. پس موردی که باید به آن دقت کنیم این است که نقش امام جمعه، منحصر در خطبه‌های نماز جمعه نیست و لزوما نیاز نیست همه کارهای امام جمعه در خطبه‌ها بازتاب پیدا کند.

ما نباید این نکته را فراموش کنیم که خود مسـاله آرامش اجتماعی، فی نفسه یک ارزش و امر مطلوب است که نباید مدام دستخوش التهابات گوناگون قرار بگیرد، البته تاکید می‌کنم این حرف من بدین معنا نیست که ما مسائل عدالت را فدای بحث آرامش اجتماعی کنیم و از آن حرف نزنیم به بهانه اینکه آرامش جامعه برهم می‌خورد، خیر! این منظور من نیست، منظور من این است که باید به این نکته هم توجه داشت و با ظرافت و دقت و بصیرت فهمید که کجا و در چه موردی و چگونه لازم اسـت موردی در نماز جمعه مطرح شود.

ببینید! گاهی ممکن است طرح یک موضوعی در رابطه با یک مفسـده اقتصادی در خطبه‌های نماز جمعه لازم شود، چرا؟ به این علت که مطرح شدن آن در خطبه‌های نماز جمعه زمینه‌ساز تحقق عدالت می‌شود. ممکن است به دلایلی ورود امام جمعه، قدرت و قوت رسیدگی به پرونده را افزایش دهد اما اینجا خیلی نقطه حساسی است، چون در این صورت امام جمعه اصطلاحا ورود به یک امر حسبیه کرده است که این وظیفه دادستان است اما مواردی پیـش می‌آید که دادسـتان به علل مختلفی ورود نمی‌کند یا از مساله باخبر نیست یا اصلا نمی‌خواهد ورود کند، این در حالی اسـت که یک خطر بزرگی مردم را از حیث عدالت تهدید می‌کند، اینجاسـت که امام جمعه با توجه به جایگاه اجتماعی‌ای که دارد می‌تواند ورود کند و جلوی ظلم بزرگی را که قرار اسـت به مردم وارد شود بگیرد. در دوران امامت جمعه خود من چندین مورد از این دست اتفاقات افتاده است.

به هر حال ممکن است هم موجب رنجش دادسـتان به عنوان مدعی‌العموم شود و هم برخی سیاسیون ناراحت شوند اما امام جمعه بایـد این را به جان بخرد و برای حفظ منافع عمومی ملت به میدان بیاید. البته باز هم تاکید می‌کنم این خیلی مساله حساسی است و امام جمعه باید با در نظر گرفتن همه جوانب به مساله ورود کند، چون امام جمعه مثل یک رسانه نیست که چیزی را بگوید و بعد تمام شود، اگر مطلبی که گفته دروغ باشد، مساله عدالت او به عنوان یکی از شروط امامت جماعت مورد خدشه قرار می‌گیرد. مردم یک شهر به یک امام جمعه اقتدا می‌کنند، نباید در سخنان او شائبه‌ای از تهمت و افترا و جناح‌گرایی و خدای نکرده قدرت‌طلبی و امثالهم باشد. این ملاحظات برای امامان جمعه بسیار بیشتر از رسانه‌ها یا فعالان اجتماعی است، برای اینکه محل اعتماد همه مردم هستند. این هم یک نکته است که ملاحظات اخلاقی و قانونی که امام جمعه در طرح یک موضوع به عنوان مطالبه دارد، سنگین‌تر از ملاحظاتی است که حتی یک رسانه آزاد نسـبت به این قضیه دارد. سومین بحث درباره عدالت اما بحث اجرای عدالت است. نقش امام جمعه هر چه جلوتر می‌آییم ممکن است از حیث تقسیم کار اجتماعی کمتر باشد؛ مثلا ما در اجرای عدالت به حکم قاضی نیاز داریم، یعنی اگر امام جمعه‌ای ۱۰ بار قسم قرآن هم بخورد و فریاد بزند که این خلاف عدالت است اما جایی است که قاضی باید حکم کند، طبیعتا تا وقتی قاضی حکم نکرده، هیچ‌کس نمی‌تواند هیچ پولی را از حسابی به حساب دیگری بازگرداند و جلوی هیچ رانتی را بگیرد. ما به عنوان اینکه فریادگر عدالت باشیم گاهی مجبور می‌شویم اعلام کنیم ولو نشـود. وقتی نمی‌شود می‌گوییم ما به عنوان دلسوز مردم این را اعلام کردیم اما اینکه اقدام شد یا نشد، برخی الان توقع‌شـان این است که امام جمعه مجری احکام و عدالت هم باشد اما در تقسیم کار اجتماعی چنین جایگاهی به امام جمعه داده نشده است و باید این مسائل را ما از هم تفکیک کنیـم، بنابراین در ایجاد گفتمان عدالت، ائمه جمعه مسلما باید نقش ایفا کننـد. در مطالبه عدالت در چارچوب قانون و اخلاق هم ائمه جمعه باید نقش‌آفرینی کنند و می‌کنند و گاهی اوقات که نیاز می‌شود، برای اینکه حداقل یک نفر گفته باشد که این خلاف عدل است، ائمه جمعه مطلب‌شان را بگویند اما در مقام اجرا بیش از هر کسی دستگاه قضایی و دسـتگاه اجرایی هستند که بایـد اقدام کنند و نوبت به امام جمعه در بحث اجرا نمی‌رسد، چون اختیارات قانونی ندارد. تذکر این نکته هم خالی از لطف نیست که ما از طریق ستاد امر به معروف و نهی از منکر که مجموعه‌ای است که در اختیار امام جمعه است، بسیاری از مسائل مربوط به مطالبه و اجرای عدالت را دنبال می‌کنیم و نتایج بدی هم نداشته است.

گاهـی امام جمعه بـه عنوان یک فعال اجتماعی، پیگیر یک مفسده و ظلمی می‌شـود که در گوشه‌ای اتفاق افتاده، بدون اینکه نیاز باشد آن را لزوما در خطبه‌های نماز جمعه بیان کند. اگر لازم بود مسـأله‌ای در خطبه‌ها بیان شود باید نهایت دقت لحاظ گردد چرا که اگر شائبه تهمت یا دروغ پیدا کند عدالت امام جمعه مخدوش می‌شود؛ عنصری کـه برای اقتدای مردم به او لازم و واجب است

شـما می‌دانید ما وقتی فریادگر این موضوع شدیم که رسما قانون امر به معروف و نهی از منکر را دولت مسـتقر در آن روز ابلاغ نکرد و ائمه جمعه میدان‌دار این قضیه شدند که ما باید امر بـه معروف و نهی از منکر را برای اقامه عدل، به میدان بیاوریم. متاسفانه در دولت قبل حمایتی از ستاد امر به معروف و نهی از منکر برای ایجاد عدالت اجتماعی نمی‌شـد اما امیدواریم دولت فعلی با حمایتی که از این ستاد می‌کند، ظرفیت را برای اقدام امام جمعه قبل از آنکه بخواهد به خطبه کشیده شود، فراهم کند تا ما بتوانیم نقش کلیدی اجرای عدالت را که یک قسمت‌هایی از آن بر عهده امام جمعه است، بخوبی انجام دهیم.

نماز جمعه و عدالت ایجابی

■ **جناب آقای قنبریان! اساساً جایگاه نماز جمعه در اسلام چه جایگاهی است؟ این جایگاه در زمان انقلاب اسلامی و حکومت اسلامی با توجه به سفارشات امامین انقلاب چه موقعیتی پیدا می‌کند؟**

به نظر می‌آید در ۳ سـاحت باید این جایگاه بررسـی شـود؛ سـاحت خود نماز جمعه، سـاحت امـام جمعه و ساحت خطبه‌ها.

در ساحت خود نماز جمعه در روایات این نماز را مشهد عام معرفی کرده‌اند؛ یعنی باید خصوصیت آن این باشد که همه بیایند. در کتاب وسائل‌الشیعه که همه مراجع بر اساس آن فتوا می‌دهند، در روایت صحیح و سندی از جناب فضل بن شـاذان از امام رضا(ع) آمده است: انّما جُعِلَت الْخُطْبَةُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ، لاَنَّ الْجُمُعَةَ مَشْهَدٌ عامٌّ؛ جمعه زمان اجتماع و مشهد عام است. بعد می‌فرماید: اگر امیر اراده کرد مردم را موعظه کند (چون می‌دانید نماز جمعه یک منصب است و یک منصبی وابسته به حکومت است) برای موعظه مردم و ترغیب در طاقت و ترساندن در معصیت از این استفاده می‌کنـد «وَ تَوْقِيفِهِمْ عَلَى مَـا أَرَادُوا مِنْ مَصْلَحَةِ دِينِهِمْ وَ دُنْيَاهُمْ»؛ یعنی باید حتما به مصلحت دین و دنیای‌شـان واقف‌شان کند. این جزو ضرورت‌هایی است که جایگاه نماز جمعه دارد. «وَ يُخْبِرَهُمْ بِمَا وَرَدَ عَلَيْهِمْ مِنَ الْآفَاتِ»؛ یعنی آفت‌هایی را که زندگی‌شان به آن دچار شده باید بشمارد. اگر مثلا خصوصی‌سـازی به راهـی می‌رود که دچار آفت شـدیم، جای طرح آن کجاست؟ یکی از جاهای طرح آن نماز جمعه است.

اگر یکسانی حقوق‌ها به هم می‌خورد، حتی تفاضل‌های معقول به هم می‌خورد و حقوق‌های نجومی طرح می‌شود، جای بیان آن نماز جمعه است. نه فقط گلایه از یک مساله مانند حقوق مطرح باشـد بلکه به صورت کلی اصلی‌ترین مساله و کلان‌ترین مساله عدالت است که عدالت در حوزه حقوق، عدالت در حوزه آموزش، اینها همه از مصادیق آن است و محل طرح‌شان در خطبه‌های نماز جمعه است. بعد می‌فرماید آن چیزهایی که برای‌شان ضرر و منفعت دارد در نماز جمعه مطرح شود. در ادامه می‌فرماید آخرین چیزی که باید طرح کند آیه «إِنَّ‌اللهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» باشد.

جایـگاه نماز جمعه چنین اسـت. رهبر معظم انقلاب بیشـتر از ۱۰ بار فرمودند ما در عدالت عقب هسـتیم. در کتاب «طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن» که مجموعه صحبت‌های حضرت آقا در سـال ۵۳ است، ایشان در این کتاب، توحید را با عدالت توضیح می‌دهند، بعثت را با عدالت توضیح می‌دهند، ولایت را نیز با عدالت توضیح می‌دهند. وقتی رهبر یک جامعه‌ای می‌گویند کماکان ما در عدالت عقبیم و به لحاظ نظری می‌گویند توحید نفی نظام طبقاتی است، جلوتر می‌گویند شرک تئوری جامعه طبقاتی است و اگر توحید بخواهد بیاید باید نظام طبقاتی برود و تئوری شرک خود باطل شود. جلوتر می‌گویند این نشده که عده‌ای مارکسیست شدند. جلوتر می‌گویند اگر دینی دیدی که در جهت عکس فلسفه ادیان که قسط است، حرکت می‌کند، آن دین یا الهی نیست یا دستکاری شده است.

مـن درباره عدالت‌خواهی منظورم لزوما این نیسـت که بیاینـد برخورد مصداقی کنند؛ نـه! همین گفتمان عدالت بیشـتر از همه چیز ضروری است. پس نخستین حیثیت، حیثیت نماز جمعه است که باید یک حیثیت به اصطلاح عمومی باشـد. از طرفی حضرت آقا ۱۴ دی ۹۴ می‌فرمایند: «دستگاه امامت جمعه یک دستگاه طلبگی است، دستگاه اداری نیست. شکل اداری نباید پیدا کند». یکی از آسـیب‌ها این است. یعنی نماز جمعه مشهد عام نیست، چون نهاد نماز جمعه به یکی از اجزای بروکراتیک کشور تقلیل یافته است.

ما نظام جمعه را از نظام امامت و امت نباید بیرون بیاوریم و آن را به دستگاه دیوان‌سالاری وارد کنیم. یکی از آسیب‌ها این تقلیل است که تقلیل به نظام دیوان‌سالاری است.

نمی‌گوییم ائمه محترم جمعه بیایند خطبه تند بخوانند اما باید در این زمینه کار و تلاش کنند نه اینکه خود جزئی از این نظام دیوان‌سالاری شوند. مردم ایران ارزش‌های عدالت و آزادی را با هم می‌خواهند. بعد در نماز جمعه‌ها می‌بینید مساله جمهوریت کم تبیین می‌شود. فقط گفته می‌شود بیایید در انتخابات شرکت کنید اما مبانی جمهوریت آنطور کـه رهبر انقلاب ۱۴ خرداد تبییـن کردند، در کدام نماز جمعه تشریح می‌شود. ما درباره عدالت کم‌کاری کرده‌ایم، آن وقت جوان‌هایی که در کف میدان عدالت‌خواهی‌شان بـه نظر بعضی آقایان دچار ایراد می‌شـود و مارک و مهر مارکسیسـتی و امثال اینها می‌خورد، مقصرش کیست؟ مقصر بنده روحانی هسـتم که از این تریبون‌ها عدالت را فریاد نزدم یا مقصر آن کسی است که خوراک پیدا نکرده است، پس دچار اعوجاج و انحراف می‌شود؟

مردم ایران از ۲۵۰ سـال پیش ایـن آرمان‌ها را با هم خواستند. آزادی، جمهوریت، پیشرفت، عدالت و استقلال را با هم خواستند. تبعیض در این آرمان‌ها بد است. حضرت امام و حضرت آقا اینها را با هم تبیین کردند.

حیثیت بعدی، حیثیت امام جمعه اسـت. یک روایتی اسـت که می‌فرماید «کل واعظ قبله»؛ واعظ نماز جمعه، قبله اسـت. می‌گوید وقتی خطبـه را می‌گوید، همه از او اسـتقبال کنند. من از آن کنایه برداشـت می‌کنم، یعنی گفتمانش باید یک گفتمان غالبی باشـد. گفتمانش باید یک گفتمان متبوعی باشد. بقیه گفتمان‌ها پی او بیفتد، نه اینکه آنقدر حرف نو و جدید و جذاب برای جوان‌ها نگوید که همه گفتمان‌های دیگر چتر خود را بیندازند و جوان‌ها سراغ افراد دیگر بروند.

در دهه ۶۰ عدالت یک گفتمان غالب اسـت اما بعد از آن‌چه می‌شود؟ بعد گفتمان‌های دیگر مثل مکتب نیاوران و دیگران می‌آیند چترشان را می‌اندازند. به اصطلاح گفتمان توسعه مقدم بر عدالت می‌شود و در عرصه‌های سیاسی هم چیزهای دیگر غالب می‌شود. این در حالی است حضرت آقا می‌فرمایند هویت انقلاب اسلامی عدالت است و اگر این را از دست داد چه می‌شود؟ یک کار منافقانه می‌شود، دیگر دعوت به اسلام بدون عدالت معنا ندارد. این جملات آقا در سال ۶۹ است و اگر ما خواستیم دعوت به انقلاب اسلامی کنیم اما عدالت در آن کمرنگ بود، کار منافقانه می‌کنیم. این جنس خطبه‌ها کم شـده است؛ چرا کم شده؟ سخن متین و متقنی از جنس مطهری و بهشتی زده نمی‌شود.

حال اگر کسی در فضای جامعه از نزدیک بودن حقوق‌ها هم گفت سـریع مارک مارکسیسـتی بر او زده می‌شود. این چیزی است که در سال‌های اخیر می‌بینیم که دائما مارک مارکسیستی می‌زنند و این برچسب‌زنی طوری غالب شـده که ائمه جمعه از ترس این برچسب بعضی حرف‌ها را نمی‌زننـد. باید هیچ حـرف خطرناکی در حوزه عدالت نزنند. در نظام پرداخت و حقوق باید یک نظام حقوقی بر همه مردم ایران حاکم باشـد؛ این شرط اول عدالت است. در همیـن کتاب حضرت آقا می‌گویند اقل یک جامعه به لحاظ توحیدی این اسـت که بدون طبقه باشد، زیر یک سقف حقوقی باشند.

آیا وقتی درباره عدالت به این شکل گفتمانی و ساختاری حرف می‌زنیم، تا به حال مچ کسی را گرفته‌ایم؟ آیا علیه کسـی شعار داده‌ایم؟ خیر! بلکه علیه یک روند، علیه یک سیاسـت، علیه یک مساله کلان سـخن گفته‌ایم. اینجا همان جایی اسـت که باید اندیشـمندان بیایند و حرف بزنند و بهترین جا نیز خطبه‌های نماز جمعه است، چون ما تا می‌گوییم عدالت‌خواهی، فکر می‌کند باید بیاید حتما درباره پرونده‌های فساد و امثال اینها بگوید.

حیثیت سوم، حیثیت خطبه است. به تعبیر زیبای شهید مطهری تنها واجب است که سخنرانی یکی از اجزای آن شده است. ما هیچ واجب دیگری نداریم که سخنرانی یکی از ارکان آن باشد؛ فقط نماز جمعه است. سخن گفتن هنگام خطبه امام جمعه و مشـغول شدن به کار دیگری مذمت شـده و از اینجاسـت که همان روایتی که از جناب فضل بن شـاذان عرض کردم که می‌فرمایـد باید غیر از اینکه موعظه‌شان می‌کند، از به اصطلاح آفاتی که سر راه‌شان است با خبرشان کند. آفاتی که جامعه‌شان دچار آن می‌شود؛ هم آفات فرهنگی و هم آفات اقتصادی که ما می‌بینیم بسیاری از آسیب‌های اجتماعی ما از قِبل تبعیض و بی‌عدالتی است. نه اینکه فقط گفته شود که این آفات است، بلکه تحلیل شود و ذهن جامعه روشن شود که بتوانند کمک کنند آن مساله حل شود. همان‌طوری که عرض کردم یک برحذر باد خیلی جدی حضرت امام دارند که ۲۲ مهرماه ۶۱ در دیدار با ائمه جمعه سراسر کشور می‌فرمایند: «نماز جمعه و مساجد در صدر اول اسلام، یک وضعی داشت و بعد به تدریج، آن محتوای خودش را از دست داد. در بین مسلمین، یک طایفه‌شان اصلا اقامه جمعه نمی‌کردند و یک دسته‌ای هم که اقامه جمعه می‌کردند تقریبا بی‌محتوا بود؛ مسائل منحصـر بود به چند جمله نصیحت و ختم می‌شـد. در صدر اسلام، مسجد و نماز جمعه یک ابزاری بود در دست کسانی که می‌خواستند فعالیت در امور کشوری کنند. از مسجد همه این مسائل بیرون می‌رفت، شکل می‌گرفت و نماز جمعه‌ها اینطور نبود. شما خطبه‌هایی [را] که در نماز جمعه‌های آن وقت خوانده شده است ملاحظه می‌فرمایید که چه وضعی بوده است آن نماز جمعه‌ها و چه محتوایی داشته است».

عمار یاسـر در دوره خلیفه دوم امام جمعه کوفه بوده اسـت. عمار در دوره آخر خلیفه دوم و اوایل خلیفه سوم اصلی‌ترین مهره عدالت‌خواهی است در کنار ابوذر و مقداد. بحث‌هـای جدی‌ای دارد؛ چه آن زمان که در منصب امام جمعگی بود، چه آن زمان که دیگر امام جمعه نبود. طوری که یکبار در خانه عثمان، عمار را آنقدر زدند که دنده‌اش شکسـت. اینها امام جمعه تراز بودند که اینگونه بودند و خطبه‌ها و سمت و سوی‌شان اینگونه بود.

امام خمینـی(ره) در ادامه می‌فرمایند: «مع الأسـف، دسـت‌های خائنی از اول - تقریبا - بتدریج این را از بین بردنـد بـه طوری که نماز جمعه اصـلا هیچ محتوا دیگر نداشت».

■ **متاسفانه چیزی که بعضا ما از بعضی ائمه جمعه شاهدیم، این اسـت که یا به تعبیر اسـتاد رحیم‌پـور تقویم‌خوانی می‌کننـد یا بیانات رهبر معظم انقلاب را که در همان ایام فرموده‌اند، تکرار می‌کنند؛ تحلیل و نقد شما نسبت به این وضعیت بعضی خطبه‌ها چیست؟**

حضرت آقا در جمله‌ای می‌گویند فرق بین نماز جمعه ما با بعضی دیگر از کشـورهای اسلامی این است که آنجا نوشته‌ای به دست امام جمعه می‌دهند که بخواند اما اینجا خطبه‌ها از نبوغ امام جمعه می‌جوشـد. چنانکه حضرت آقا متن خطبه‌های خودشـان را از امام نمی‌گرفتند، بلکه می‌جوشید. این مبانی‌ای را که پای این درس امام و اساتید خودشان فراگرفته بودند، تبیین و تحلیل و در عرصه‌های مختلف تولید می‌کردند. من بی‌تعارف می‌گویم اگر مقام معظم رهبری سـخنرانی نکنند، بسـیاری از ائمه جمعه نمی‌دانند که این هفته چه باید بگویند. یعنی ۲ جمله از یک سـخنرانی از رهبر انقلاب که بهتر از خود آنها انشاء شده را می‌خوانند و صرفا یک توضیحی می‌دهند. خب! این خیلی کم‌هنری است. جای عدالت‌خواهی در نماز جمعه اسـت که روایت صحیح السند محمد بن مسلم می‌گوید: آخرین چیزی که امام جمعه می‌گوید باید آیه شریفه «إِنَّ‌اللهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسَانِ» باشد و این کنایه از این است که در این سـبد نماز جمعه و خطبه‌هایش حتما باید برنامه عدالت باشد. عدالت در نماز جمعه طیفی از حرف است و چندین مرحله دارد. اول گفتمان‌سازی برای عدالت است که این سـخن غالب شـود. ما در بسیاری از جاها مواجه می‌شـویم که افراد تریبون‌دار حالا در منصب امام جمعه یا هیات‌ها و جاهـای دیگر می‌گویند دوره عدالت‌خواهی تمام شده اسـت و عدالت‌خواهی ضرورت جامعه نیست. یک نظرسـنجی اخیرا اتفاق افتاد که نشان داد فقط ۳۱ درصد مردم ایران نخسـتین اولویت‌شان در دولت جدید عدالت است. این اعلام خطر است. بیشتر مشکل کشورمان بی‌عدالتی و تبعیض است اما مردم برای دولت آینده‌شان ۳۱ درصد می‌گویند که مشکل عدالت است. این یعنی گفتمان نشده است؛ هشداری که حضرت آقا چند سال پیش دادند که این خطر برای ما هست که عدالت ارزش دسته چندم شود. عدالت در دولت سازندگی اولویت اول نبود و به جای آن سازندگی بود، در دولت اصلاحات توسعه سیاسی، یک دولت فقط شعارش عدالت شد اما دوباره دولت بعدی که آمد اصلا اسم عدالت را هم نبردند، چرا که عدالت گفتمان اصلی نشـده است. گفتمان عدالت به معنی تکرار عدالت نیسـت، یعنی همان گونه که حضرت آقا در کتاب طرح کلی اندیشـه اسلامی مطرح کردند، مساله عدالت باید با توحید و ولایت تبیین شود. ما باید مثلا چند ماه در کشور درباره دوگانه غلط عدالت- ولایت بحث کنیم، اینکه چرا این دوگانه‌ها تولید می‌شود؟ یعنی خدمتی که به عدالت نمی‌کنیم هیچ، یک سنگی هم سر راه عدالت می‌اندازیم که بسیاری باید مشغول حل آن شوند. پس از تبیین گفتمانی مساله عدالت، امام جمعه باید با مساله‌های محوری حوزه عدالت نیز درگیر شود، یعنی در بحث تبعیض آموزشی، در بحث حقوق و دستمزد، در بحث خصوصی‌سازی و... وارد شود و کمک نخبگانی کند. الان ۱۵ سال است از ابلاغیه رسمی مقام معظم رهبری در بحث سیاست‌های اصل ۴۴ می‌گذرد. طبق این سیاست‌ها ۲۵ درصد کل اقتصاد ایران تا سـال ۹۲ باید در قالب تعاون در اختیار ۳ دهک پایین کشـور و بیکاران قرار می‌گرفت. اینها یعنی مساله کلان، یعنی درباره مثلا خصوصی‌سازی ببینیم بخش خصوصی که دارد سـهم خود را می‌برد، بخش حاکمیتی هم سهم خود را می‌برد اما دهک پایین سـهمی نمی‌برد. ۱۵ سال چیزی اجرا نشد و هیچ کس هم فریادی نزد.

مساله سوم ورودهای مصداقی است که بله! اینجا هم حضـرت امام و هم حضرت آقـا به اینها تذکر دادند که شأن پدری‌تان را رعایت کنید تا یک مرتبه با جملات تیز برخورد نکنید اما وظیفه امام جمعه در خطبه‌ها خلاصه نمی‌شود و در غیر نماز جمعه می‌تواند مفاسد را پیگیری کند. به نظر من اینها ۳ لایه از عدالت‌خواهی اسـت. ۲ لایه اولی وظیفه حتمی اسـت کـه اصلا وارد مصداق و درگیری با افراد نمی‌شود. آن موردی هم که وارد مساله می‌شـوند، حالا در خطبه صلاح نبود، طور دیگری باید پیگیری شـود که این حلقه در سـال‌های اخیر جایش بسیار خالی بوده است.